

عنوان مقاله:

حقوق موضوعه اشراقی ژرژ گروویچ و بی نیازی به مفهوم حقوق طبیعی؛ تاملی بر چگونگی رفع چالش آنتینومی حقوق

محل انتشار:

مجله مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، دوره 13، شماره 26 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسنده:

مهدی شهابی - دانشیار دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

اساس اندیشه حقوق طبیعی، چه از نوع کلاسیک و چه از نوع مدرن، وجود معیاری برتر برای امر درست است و این امر درست، ملاک سنجش اعتبار و درستی یا نادرستی حقوق موضوعه است. می توان بسان مکتب تاریخی، رویکرد آنتینومیک به حقوق را کنار گذاشت و اندیشه تحققی و حقوق موضوعه را جایگزین اندیشه حقوق طبیعی کرد؛ نه تنها از حاکمیت متافیزیک بر واقعیت دست شست، بلکه از دغدغه تعامل ارزش و واقعیت نیز عبور کرد. گروویچ با رویکرد آنتینومیک به حقوق موافق نیست؛ وی دغدغه تعامل ارزش و واقعیت را دارد. پس، به اشراق تجربی به عنوان مبنای اعتبار حقوق پناه می برد و این اشراق را نیز نوعی می نگرد تا مانند پترازیسکی، گرفتار اشراق فردی نشود و کثرت گرایی او بی انتها نباشد. گروویچ تلاش دارد تا بر اساس اشراق تجربی حقوق موضوعه ای را بنیان گذارد که ضرورتاً حاکم بر حقوق موضوعه شکلی نیست؛ چراکه بنا نیست معیاری برای سنجش درستی آن باشد. اگر این گونه باشد، پس باید برداشت تحققی گروویچ از ارزش را به معنای نفی اندیشه حقوق طبیعی دانست. اما واقعیت اینست که وی نتوانسته است علاقه خود به امر درست برتر را پنهان دارد؛ به بیان بهتر، گروویچ قادر نبوده است از اندیشه امر درست عبور کند، بنابراین، ادعای او در نفی حقوق طبیعی را باید به ادعایی ترمینولوژیک فرو کاست.

کلمات کلیدی:

حقوق طبیعی، حقوق موضوعه اشراقی، حقوق موضوعه شکلی، ژرژ گروویچ، لئون پترازیسکی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1565413>

